

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجری

۰۷ جون ۲۰۱۸

مصاحبه ای در باره حزب سازی اکثریتی ها

متن مصاحبه کانال "بذره های ماندگار" با رفیق فریبرز سنجری

در باره "حزب چپ ایران" (فدائیان خلق)

پرسشگر کانال بذره های ماندگار: با درود به شنوندگان کانال بذره های ماندگار. اخیراً یعنی در روزهای دهم تا دوازدهم فروردین ماه ۱۳۹۷ از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همراه با سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفدار وحدت) و کنشگران چپ، کنگره مشترکی در شهر کُن المان برگزار شد و متعاقب آن اعلام شد که حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بنیان گذاشته شد. با توجه به سیاستهای شناخته شده اکثریتی ها در حمایت از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و بد نامی غیر قابل انکارشان در میان مردم، برای خیلی ها پرسش هایی در باره چرائی شکل گیری این جریان و این که چه الزاماتی راست ها را واداشته تا خودشون را چپ بنامند مطرح شد که این پرسش ها در رسانه های مجازی به طور وسیعی طرح شدند. به همین دلیل ما از رفیق فریبرز سنجری از مسئولین چریکهای فدائی خلق خواستیم که پاسخگوی پرسش های ما در این زمینه باشند.

پرسشگر: رفیق سنجری با تشکر از شما که پاسخ به پرسش های ما در رابطه با حزب جدید را تقبل کردید. بگذارید اولین پرسش خودمان را در این باره مطرح کنیم که با توجه به مواضع شناخته شده سازمان اکثریت و همپالگی هایش، ادعای چپ بودن حزب جدید را تا چه حد می شود جدی گرفت و یا این که اصلاً باید جدی گرفت یا نه؟ بفرمائید رفیق.

فریبرز سنجری: با تشکر از مسئولین کانال بذره های ماندگار که این فرصت را فراهم کردند تا در باره این موضوع با شنوندگان این کانال به صحبت بپردازم. در رابطه با پرسش شما قبل از هر چیز باید تأکید کنم که همه آنهايي که این به اصطلاح حزب چپ جدید را جدی نگرفتند، کاملاً محق بودند. چون تشکل جدیدی که از سوی کنگره مشترکی که اکثریت شرکت کنندگانش اعضای سازمان اکثریت بودند، اعلام شد در واقعیت نه چپ است و نه حزب. بلکه تلاشی تبلیغاتیست برای این که به سازمان بد نام اکثریت شکل و شمایل جدیدی داده شود. اما از آنجا که کرکس را نمیشه با رنگ کردن به جای بلبل به مردم قالب کرد، اکثریتی ها هم نمی توانند یار گیری جدیدشان را که اتفاقاً هم بیشتر از میان جدا شدگان سابق خودشان می باشد به عنوان موجودی جدید به دیگران قالب کنند. آنهم جریانی چپ.

این جریان چپ نیست چون چپ اگر به معنای نقد رادیکال نظم ظالمانه موجود در نظر گرفته شود ، اکثریتی ها همواره و در عمل نشان داده اند که علیه نظام سرمایه داری و خواهان نابودی این نظم ظالمانه که مبتنی بر استثمار فرد از فرد است نبوده و نیستند. در همین منشور ادعائی هم که تازه قرار شده بعداً تصویب بشود ، منظور منشور همین کنگره مشترک شان است ، آنها از مبارزه برای نابودی نظام سرمایه داری سخن نمی گویند ، بلکه به مقابله با تعرض سرمایه تأکید دارند. یعنی مخالف زیاده خواهی های سرمایه داران هستند و نه نفس وجود این نظم ظالمانه. بنابراین اینها زمانی می توانند خودشان را چپ بنامند که معنای چپ را عوض کرده باشند و در این صورت هم خوب با تعریف من درآوردی از معنای چپ ، هر جریان راست شناخته شده ای هم می تواند ادعا کند که نسبت به فلان جریان راست که از وی راست تر است، چپ است. برای نمونه ، احزاب جمهوری خواه و دمکرات ایالات متحده آمریکا که کسی در راست بودنشان شک ندارد و من هم به همین خاطر به آنها اشاره می کنم هم با استناد به چنین تعاریفی می توانند ادعا کنند که جناح چپ دارند و یا در چپ آن دیگری قرار گرفته اند. اما در جریان زندگی واقعی این بازی با کلمات است ، در جریان مبارزه سیاسی مردم جریانات سیاسی را با موضوعی که در مقابل نظام حاکم و قدرت دولتی و جهت رهایی مردم از شر ظلم و ستم اعمال شده از سوی قدرتمندان اتخاذ می کنند می شناسند و به همین اعتبار هم جریان اکثریت را شناخته و از آن نفرت دارند. از سوی دیگر این جریان حزب هم نیست. چون با تشکیل حزب مورد بحث سازمان اکثریت رسماً اعلام کرد که سازمان خودش را حفظ کرده و فعلاً یعنی حداقل تا کنگره بعدی اکثریت، قصد منحل کردن آن را ندارد. یعنی در عمل سازمان اکثریت ، ضمن حفظ موجودیت خودش با کسان دیگری دست به تشکیل تشکل جدیدی زده که هر چه باشد حزبی نیست که قرار بوده با انحلال نیروهای تشکیل دهنده این کنگره شکل بگیرد. برخورد اکثریتی ها بیشتر نشان دهنده جبهه سازی آنهاست تا حزبی جدید و آنها چپ.

پرسش: رفیق سنجری بر اساس آنچه شما گفتید پس اعلام حزب با نام جدید و اساسنامه و منشور ، آن هم با توجه به این که بیشتر نیروهای تشکیل دهنده آن را اعضای سازمان اکثریت دارند تشکیل می دهند به منزله انحلال سازمان اکثریت نیست؟

پاسخ: به هیچ وجه. اکثریتی ها تشکل جدیدی را علم کرده اند اما با توجه به این که در این کنگره حتی نتوانستند به یک برنامه واحد هم دست پیدا کنند و تصویب منشور مورد توافقشان را به دومین کنگره حزب اکثریت ساخته ، موکول کرده اند مصلحت را در این دیدند که فعلاً سازمان خودشان را حفظ کنند تا اگر در جریان عمل خطوط مورد نظرشان با مخالفت روبه رو شد ، تشکلی را که با همه تناقضاتش در هر صورت فعلاً دارند را از دست نداده باشند. به خصوص که باید در نظر داشت که این جریان سازمان به مفهوم شناخته شده اش نیست. خطوط سیاسی کاملاً گوناگون و مختلفی در آن در کنار هم به "همزیستی مسالمت آمیز" که شاید از گذشته که دو آتش طرفدار شوروی سابق بودند برایشان باقی مانده، مشغول اند. دسته هایی که وجه مشترک شان ضد مردمی بودنشان می باشد. از حامیان همکاری با سلطنت طلبان تا مدافعان کنفرانس هایی که غربی ها جهت آلترناتیو سازی شکل می دادند و یا می دهند. در کنار آنهایی که برای خامنه ای نامه می نویسند و در بی بی سی از وی بیشرمانه دفاع می کنند. پشتیبانی از اصلاح طلبان حکومتی هم که همه گیر است. خوب در صورتی که کار تشکل جدید با موانعی مواجه شود ، جمع کردن چنین معجونی پس از انحلال ، کاری نشدنی است. امری که مسؤولین اکثریت به خوبی بر آن واقفند. برای همین هم هست که با این که مدعی اند دهسال است برای این وحدت تلاش می کنند ، اما امر انحلال خودشان را در کنگره مشترک به کنگره سازمانی بعدی شان موکول کرده اند ، تا عاقبت اندیشی شان زیاد توی ذوق همکارانشان در حزب جدید اکثریت ساخته نخورد.

پرسش: رفیق، اگر سازمان اکثریت خودش را منحل نکرده و بخش بزرگی از نیروهای تشکیل دهنده این حزب جدید را هم همان اکثریتی ها تشکیل می دهند پس چه نیازی به این حزب سازی بوده؟

پاسخ: ببینید سازمان اکثریت به دلیل همه موضوعی که در حدود چهل سال گذشته اتخاذ کرده ، به جریانی بد نام و بی اعتبار بدل شده که کمتر کسی حاضر است با آنها دست همکاری بدهد و یا با آنها سر یک میز بنشیند. به جز کسانی که خوب خودشان هم مثل اکثریتی ها در جریان فعالیت های سیاسی شان پرونده سیاهی پیدا کردند و به قول معروف آب از سرشان گذشته. خوب اعلام حزب جدید یکی از کارکردهایش به حاشیه راندن و پرده پوشی همین بی اعتباری عمومی است که با نام اکثریت عجین شده. از سوی دیگر این جریان هم مثل همه همپالگی های دیگرش به فیل هوا کردن احتیاج دارد تا به مخاطبان خود پیام دهد که ما چپ را متحد و منسجم کرده و آمادگی ایفای نقش در برنامه های پیش رو را داریم. از سوی دیگر با این که این پروسه از چند سال پیش شروع شده اما تحولات داخل کشور که خودش را در خیزش پر شکوه دی ماه [جدی] ۹۶ نشان داد و مواضع تندى که دولت ایالات متحده آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی گرفته برخی ها را به صرافت این اتحاد حتی قبل از روشن شدن قطعی منشور اتحاد واداشته است. ببخود نبوده که برخی از شرکت کنندگان در این کنگره مدعی بودند مهم وحدت است و نه منشور وحدت و روشن شدن بنیانهای نظری چنین وحدتی.

پرسش: شما از گذشته خائنانه اکثریت صحبت کردید اما این روز ها در فضا های مجازی تا کسی به خیانت های اکثریتی ها مثل همکاری با نهاد های سرکوب جمهوری اسلامی برای دستگیری آزادیخواهان و مبارزان اشاره می کند، فوراً طرفداران این جریان مدعی می شوند که سازمانها و احزاب را باید با برنامه آنها مورد سنجش قرار داد و نه گذشته شان. در این مورد شما چه فکر می کنید؟

پاسخ: در این شکی نیست که بررسی برنامه هر تشکلی گام اول برای شناخت آن می باشد. اما اگر در این پروسه فقط به حرف ها و ادعا ها اکتفاء کنیم ، بدون شک به شناخت درستی دست نخواهیم یافت. به همین دلیل هم بررسی برنامه ، باید با کنکاش در عملکرد تکمیل شود تا ما را به شناخت درستی رهنمون بکند. به خصوص که تجربه زندگی نشان داده که برخی از جریان های سیاسی عملکردشان هیچ انطباقی با برنامه ای که اعلام کرده اند ندارد! به همین دلیل هم برای شناخت جریانات سیاسی باید عملکرد آنها را دقیقاً در نظر گرفت و فراموش نکرد که همانطور که انسانها را از روی عملشان باید شناخت و نه حرفهایشان، برای قضاوت در باره جریانات سیاسی هم باید به عملکردشان نگاه کرد تا متوجه شد که چقدر عملشان با برنامه و ادعایشان انطباق دارد. اگر این روش را که تنها روش علمی و درسته ، راهنمای عمل خودمان قرار بدهیم خوب روشن است که در این بحث کسانی که فقط روی برنامه انگشت می گذارند احتمالاً خودشان هم می دانند که در عملکردشان نقاط منفی و سیاهی وجود دارد که مایل به یاد آوری آن نیستند. البته قابل فهم است که چرا اکثریتی ها از یاد آوری همکاری شان با جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب و کشتار انقلابیون که یکی از وجوه مشخص هویتی شان می باشد متنسج می شوند. برای همین هم هست که آنها به هر وسیله ای متوسل می شوند تا این گذشته را لاپوشانی کنند. که تلاش مذبوحانه ایست که هرگز هم به نتیجه مورد نظر آنها منجر نمی شود. به خصوص که عملکرد ضد مردمی این جریان فقط به سالهای دفاع تمام قدش از خمینی و ولایت فقیه این جنایتکار محدود نمی شود، ما در چهل سال گذشته در هر بزنگاهی شاهد حمایت این جریان از ضد انقلاب حاکم بوده ایم. برای همین هم باید تأکید کرد که مشکل این سازمان رسوا نه صرفاً در گذشته سیاهش در دهه ۶۰ که خواهان "شکوفائی جمهوری اسلامی ایران" بود بلکه در کل تاریخ حیات وی و در مواضع ضد مردمی کنونی اش هم نهفته است و می

باشد. سازمانی که جهت حرکتش را همسوئی با جناح های درونی جمهوری اسلامی شکل داده و به همین دلیل هم باید وی را به عنوان زانده ای از همین جناح ها شناخت و معرفی کرد.

پرسش: رفیق سنجری اکثریتی ها در حالی که برای لاپوشانی عملکرد خائنانه شان روی برنامه تکیه می کنند اما در کنگره حزب جدیدشان ، منشور وحدت را قطعی نکردند تا معیاری برای سنجش در اختیار دیگران قرار بدهند. این برخورد را شما چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ: همانطور که قبلاً اشاره کردم از قرار جذب نیرو های جدید و اعلام موجودیت حزب جدید برایشان مهمتر از روشن کردن بنیادهای نظری و برنامه ئی این یکی شدن بوده است. عجله داشتند که حزب جدید را اعلام کنند برایشان هم مهم نبوده که موجود ناقص الخلقه ای باشد که نام و اساسنامه دارد اما منشور و برنامه ندارد. وقتی اکثریتی ها می خواهند فیل هوا کنند جز این هم نباید انتظار داشت.

ببینید خودشان می گویند که حدود دهسال است که برای تشکیل این حزب کار می کنند. برای شکل گیری این وحدت کار می کنند . اما در این دهسال نتوانسته اند منشور واحدی را برای کنگره مؤسس مورد نظرشان سر هم کنند و سرانجام هم مجبور شدند آن را به کنگره بعدی همین حزب موکول کنند. معلوم نیست که اگر در طول دهسال چانه زنی به یک هم نظری و یک هماهنگی نظری نرسیده اند ، چگونه قرار است در کنگره بعدی به منشور واحد برسند و اگر نتوانستند به یک منشور واحد برسند ، چه بر سر این حزب جدید خواهد آمد!

پرسش: رفیق به دنبال اعلام تشکیل حزب جدید ، اکثریتی ها تلاش آگاهانه ای کردند تا جلوه دهند که به قول فرخ نگهدار "بدنه اصلی فدائی" در این حزب دو باره به هم رسیده اند. از اقلیتی تا اکثریتی. آیا به واقع این وحدت بیانگر پایان جدائی های قبلی هست؟

پاسخ: اتفاقاً یکی از دروغ هائی که در جریان این فیل هوا کردن اکثریتی ها زیاد شنیده می شد همین اعلام پایان انشعاب ها و آغاز وحدت آنها در طیف نیرو هائی بود که به هر حال تحت نام فدائی فعالیت می کردند و با می کنند. این دروغگو ها که البته در طول سالهای طولانی اکثریتی بودندشان ، دروغگوئی به یکی از ویژگی هایشان بدل شده ، آنقدر روحیه شان بالاست که حتی به روی خودشان نمی آورند که اتفاقاً در همین پروسه وحدت که بین سه جریان شروع شده بود ، دو جریان دیگر دچار انشعاب شدند. می دانیم که سازمان اکثریت با سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و شورای موقت سوسیالیستها ، این پروسه را شروع کردند. اما شورای موقت سوسیالیستها از این پروسه که باعث تنش هائی در صفوف آنها شده بود ، خارج شد و بعد ها کنشگران چپ جایگزین آنها شدند. همچنین سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران درست به خاطر همین پروسه دو تکه شد و آن قسمتی که در این کنگره شرکت کرده در مقابل اسمشان در داخل پرانتز اضافه کرده اند طرفداران وحدت. یعنی بخش بزرگی از همین جریان به این حزب نو ظهور نیبوسته اند. از سوی دیگر بر کسی پوشیده نیست که بیشتر تشکل هائی که تحت نام فدائی فعالیت می کنند ، هیچ گاه و از همان ابتداء وارد چنین پروسه ای نشده بودند ، چرا که اساساً اکثریت را جریانی در درون صف مردم و انقلاب مردم نمی شناسند. اما اکثریتی ها مسئله شان نه این حقایق بلکه دروغی است که آگاهانه اشاعه می دهند. آنها بعد از این که بخش بزرگی از سازمان فدائی را به پابوسی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی بردند و بعد از این که این سازمان بزرگ کمونیستی را با تحمیل اخراج ها و انشعابها از درون متلاشی کردند و بعد از این که سالها علیه ارزشها و آرمانهای که چریکهای فدائی خلق برایش جنگیده و جان داده بودند ، به هر دسیسه ای متوسل شدند ، حالا یادشان افتاده که در نقش متحد کننده و

وحدت بخش ، وارد صحنه بشوند و از همگان هم بخواهند که همه آن کار ها را به حساب کودکی آنها بگذارند و اجازه بدهند که سر پیری ، به رغم همه رسوائی های گذشته کمی آرامش پیدا کنند و آن گذشته ننگین را از خاطره ها بزدایند. بگذارید در پایان این پاسخ تأکید کنم که ایجاد حزب جدید هیچ نقشی در جنبش انقلابی مردم ما نخواهد داشت ، چرا که این حزب اکثریتی اساساً خارج از این جنبش قرار دارد.

پرسش: رفیق سنجری با توجه به این که شما حزب جدید را خارج از جنبش انقلابی ارزیابی می کنید چه آینده ای برای آن تصور می کنید؟

پاسخ: با نگاهی به همین مواضع اعلام شده و یا صحبت‌هایی که اعضاء و طرفداران حزب جدید در جریان کنگره مشترک مطرح کردند ، روشن می شود که ما با جریانی مواجهیم که در شرایطی که مردم در مقیاس توده ئی نابودی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را در خیابانها فریاد می زنند حتی حاضر نیستند سرنگونی جمهوری اسلامی را با صراحت اعلام کنند و با کلمات دو پهلو چون ضرورت گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی ، آنهم با حداقل هزینه گریبان خودشان را از این امر خلاص می کنند. همچنین در شرایطی که کارگران و ستمدیدگان در جریان خیزش دی ماه [جدی] سال ۱۳۹۶ ، پاسخ آتش نیروهای سرکوب دیکتاتوری حاکم را با آتش می دادند ، ما با جریانی مواجهیم که قصد دارد با تکیه بر قضاوت صندوق رأی سردمداران جمهوری اسلامی را راضی به ترک قدرت کند. آنهم در شرایطی که خودشان اذعان می کنند بلوک قدرت به رهبری خامنه ای همچنان با مشیت آهنین با مردم مواجه می شود. صندوق رأی در مقابل مشیت آهنین ، این همه راهی است که این جریان برای رسیدن به دموکراسی مورد نظرش مقابل مردم قرار می دهد که نتیجه اش را در چهل سال گذشته دیده ایم و می دانیم که نتیجه عملی اش تحکیم سلطه سرکوبگران حاکم می باشد. بیراهه ای که در واقع خواب و خیالی بیش نیست. از سوی دیگر در شرایطی که مردم کلیت جمهوری اسلامی را با صراحت نفی می کنند و با سر دادن شعار "اصلاح طلب ، اصول گرا ، دیگه تمامه ماجرا" ورشکستگی اصلاح طلبان را به نمایش گذاشته اند. اما این جریان باز هم با روحیه تمام اصلاح طلبان را متحد خودش قلمداد کرده و خواهان حرکت آنها به سمت تحول خواهی ادعائی اش می باشد. تمرکز بر همین چند مورد خودش بروشنی نشان می دهد که آینده این جریان از گذشته اش جدا نیست و انتظار هیچ معجزه ای از این امام زاده تازه تأسیس نباید داشت. در نتیجه نیازی هم نیست که از اینها پرسید که وحدت کرده اید که چه کار بکنید؟ چون کاری جز همان کارهایی که تاکنون کرده اند از آنها نخواهیم دید و هیچ انتظاری هم جز این از آنها نباید داشت.

پرسشگر: با تشکر از شما رفیق عزیز در پایان اگر هر صحبت دیگری دارید لطفا بفرمائید.

پاسخ: ممنون از وقتی که به من دادید. فکر کنم که تا جایی که این مصاحبه اجازه می داد به مسأله تشکیل تشکل جدید از سوی اکثریتی ها پرداختیم. تشکلی که نه حزب است و نه چپ ، بلکه بازی جدیدی است که اکثریتی های رسوا و بی اعتبار راه انداخته اند تا در شرایطی که به قول خودشان کشور وارد فرآیند بحران سیاسی شده و جمهوری اسلامی را بحران های متعددی باز هم به قول خود این جماعت "بحران مشروعیت" ، "بحران کارآمدی" ، "بحران ایدئولوژیک و رهبری" و "چالش جریان های درون خود" رژیم فرا گرفته راه امکان مانور در آینده را برای خودشان هموار کنند. که البته با توجه به برخورد کارگران و ستمدیدگان با اصلاح طلبان حکومتی و توجه به رادیکالیزمی که مبارزات مردم را فرا گرفته ، بعید است جوانان و ستمدیدگان ما این جریان را اصلاً به حساب آورند . آنها با حزب جدید همان برخوردی را خواهند کرد که با سازمان بد نام اکثریت تاکنون کرده و در آینده هم خواهند کرد. مردم ما در جریان انقلاب سال ۵۷

وقتی مزدوران رژیم سلطنت ، روی شعار های انقلابی رنگ می پاشیدند ، در زیر همان شعار می نوشتند که ننگ با رنگ پاک نمی شه. امروز هم به اکثریتی ها خواهند گفت رسوائی مواضع ضدانقلابی آنها در چهل سال گذشته ، هرگز با تغییر نام فراموش نخواهد شد. پیروز باشید.

پرسشگر: با تشکر مجدد از شما رفیق فریبرز عزیز از وقتی که در اختیار کانال تلگرام بذر های ماندگار چریکهای فدائی خلق گذاشتید. با ایمان به پیروزی راهمان. شاد و پیروز باشید.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۲۷ ، اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۷